

بررسی و تحلیل ساختار کشاورزی روستاهای بخش خورگام شهرستان رودبار

تیمورآمار

استادیار گروه جغرافیای انسانی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رشت

Amar@Iaurasht.ac.ir

چکیده:

نقطه آغاز اقتصاد در روستاها را باید شکل گیری فعالیت کشاورزی دانست و در واقع این فعالیت بیشترین نقش را در بافت اقتصادی آنها داشته و دارد. اگرچه جوامع روستایی صرفاً به این نوع فعالیت نمی پردازند لیکن نقش کشاورزی در استقرار انسان، نظام تولید اقتصادی، الگوی تغذیه و بسیاری از جنبه های متعارف انسان ساکن در روستا غیرقابل انکار است. در این تحقیق که به اهمیت کشاورزی در نظام اقتصادی و معیشت جوامع روستایی می پردازد، یکی از محدوده ای شهرستان رودبار (استان گیلان) مورد بررسی و مذاقه قرار گرفته است. در روند تحقیق از شیوه های رایج جمع آوری و پردازش اطلاعات استفاده شده و نقش کشاورزی در نظام درآمد و معیشت روستاهای ناحیه مورد ارزیابی قرار گرفته و راهکارهای لازم برای رفع مشکلات موجود نیز ارائه گردیده است. نتایج این تحقیق نشانگر آنست که بین شاخصهای جمعیتی روستاهای ناحیه و ارزش اقتصادی تولیدات کشاورزی ارتباط تنگاتنگی وجود داشته، ضمن اینکه با بهره برداری از منابع بالقوه و راکد ناحیه میتوان انتظار داشت که کشاورزی در کارکرد اقتصادی ناحیه ایفاگر نقشی بمراتب بیشتر از وضعیت فعلی باشد.

واژه های کلیدی: اقتصاد روستایی، اقتصاد کشاورزی، جغرافیای کشاورزی، استان گیلان، شهرستان رودبار، بخش خورگام

مقدمه

فعالیت‌های کشاورزی در ایران اگرچه در طی تاریخ چندین هزار ساله خود، همواره نقش مهم و فعال را در اقتصاد ملی ایفا کرده است اما در طول یک قرن گذشته دستخوش تغییر و دگرگونی عمیقی شده است. نتایج این تحول اگرچه به عقیده برخی، باعث از دست رفتن نقش فعال و موثر اقتصاد روستایی در اقتصاد ملی شده و روستا به عنوان یک مکان اقتصادی ضعیف، منفعل و بی هویت شده است؛^۱ لیکن از ابعاد دیگر تماماً این تغییرات را نمی توان منفی دانست. کشاورزی نشانه هایی از تغییرات ساختاری مثبت (افزایش سطح آگاهی و دانش، برخورد علمی، استفاده از نیروهای تحول زا مثل وسایل مکانیزه، سرمایه و واکنش مثبت به نیازمندیهای بازار، مدیریت آگاهانه و

^۱ - ن. ک به: جغرافیا و احیای اقتصاد در روستا سید هدایت اله نوری. همایش توانمندیهای جغرافیا در برنامه ریزیهای توسعه ۱۲ و ۱۳ دیماه ۱۳۸۰.

سیستماتیک و...) را بروز داده است. انعکاس این تغییرات نه تنها در پرتو نیازهای درونی این جامعه، بلکه در پاسخ به نیازهای بیرونی و متأثر از جریانهای وارداتی نیز بوده است.

در کشور ما تعادل بین جمعیت شهری و روستایی نزدیک به دو دهه است که به هم خورده و روستاها از اوایل دهه ۶۰ از نظر ظرفیت جمعیت پذیری نسبت به شهرها در اقلیت قرار گرفته اند لیکن هنوز هم ۳۱/۵ درصد (حدود ۲۲ میلیون نفر) از جمعیت کشور در روستا زندگی می کنند؛ که بالطبع اغلب آنها در فعالیت کشاورزی مشغولند. بافت جمعیتی روستاها در سال ۱۳۸۵ و مقایسه آن با سرشماریهای قبل نشان می دهد که میزان فعالیت در این جامعه همواره افزایش داشته است. (جدول شماره ۱) بر مبنای یافته های این جدول می توان گفت در دهه اخیر نیاز جامعه روستایی بیش از آنکه دسترسی به خدمات باشد نیازهای شغلی، و اقتصادی است.

جدول شماره ۱- تحول جمعیت مناطق روستایی کشور بر اساس مشارکت اقتصادی و ترکیب اشتغال

| شرح | ۱۳۴۵ | | ۱۳۵۵ | | ۱۳۶۵ | | ۱۳۷۵ | | ۱۳۸۵ | | |
|----------------|-----------------------|-------|------------------|-------|------------------|-------|------------------|-------|------------------|-------|------|
| | تعداد (هزار نفر) | درصد | تعداد (هزار نفر) | درصد | تعداد (هزار نفر) | درصد | تعداد (هزار نفر) | درصد | تعداد (هزار نفر) | درصد | |
| مشارکت اقتصادی | جمعیت روستایی | ۱۵۹۹۴ | ۶۲ | ۱۷۸۵۳ | ۵۳ | ۲۲۳۴۹ | ۴۵/۷ | ۲۳۳۷۰ | ۳۸ | ۲۲۱۲۳ | ۳۱/۵ |
| | جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر | ۹۷۸۹ | ۶۱/۲ | ۱۱۵۷۴ | ۶۴/۸ | ۱۴۴۳۷ | ۶۴/۶ | ۱۶۸۹۷ | ۷۲/۳ | ۱۸۳۴۴ | ۸۲/۹ |
| | جمعیت غیر فعال | ۴۹۷۴ | ۵۰/۸ | ۶۱۱۴ | ۵۲/۸ | ۸۷۱۰ | ۶۰/۳ | ۱۰۵۲۵ | ۶۲/۲ | ۱۰۶۷۵ | ۵۸/۱ |
| | جمعیت فعال | ۴۸۱۵ | ۴۹/۲ | ۵۴۶۰ | ۴۷/۲ | ۵۷۲۷ | ۳۹/۷ | ۶۳۷۲ | ۳۷/۸ | ۷۴۹۴ | ۴۱/۹ |
| | جمعیت شاغل | ۴۲۴۸ | ۸۸/۲ | ۴۶۸۶ | ۸۵/۸ | ۴۹۸۱ | ۸۷/۱ | ۵۷۷۳ | ۹۰/۵ | ۶۳۹۰ | ۸۵/۲ |
| | جمعیت بیکار | ۵۶۷ | ۱۱/۸ | ۷۷۴ | ۱۴/۲ | ۷۳۹ | ۱۲/۹ | ۵۹۹ | ۹/۵ | ۱۱۰۴ | ۱۴/۸ |
| ترکیب اشتغال | اشتغال کشاورزی | ۳۰۳۶ | ۷۱/۴ | ۲۷۸۸ | ۵۹/۵ | ۲۸۲۵ | ۵۹ | ۲۸۴۱ | ۵۰/۱ | ۲۸۶۲ | ۴۴/۸ |
| | اشتغال صنعتی | ۸۰۸ | ۱۹ | ۱۴۴۹ | ۳۱ | ۱۰۱۵ | ۲۰ | ۱۵۳۳ | ۲۷ | ۱۹۹۳ | ۳۱/۲ |
| | اشتغال خدماتی | ۴۰۴ | ۹/۴ | ۴۴۹ | ۹/۵ | ۱۱۴۸ | ۲۱ | ۱۳۳۷ | ۲۲/۹ | ۱۵۳۵ | ۲۴ |

مأخذ: سازمان مدیریت و برنامه ریزی، موسسه آموزش و پژوهش (۱۳۸۱) ص ۳۲ و مرکز آمار ایران (۱۳۸۵)

در جامعه روستایی کشور، عرضه و تقاضای نیروی کار طی پنج دهه گذشته (۸۵-۱۳۳۵) با فراز و نشیب هایی محدود از ۳/۱ میلیون شغل به ۲/۸ میلیون شغل رسیده است و در این مدت بخش خدمات خصوصاً طی سالهای ۸۵-۱۳۵۵ مهمترین نقش را در اشتغال بعهده داشته و اشتغال صنعتی در جامعه روستایی کشور در مجموع افزایش یافته است. با نگاهی به نرخ اشتغال در بخش کشاورزی پی می بریم که قدرت و توان این بخش در سالهای گذشته همواره روبه تحلیل رفته یا افزایش بسیار اندکی داشته است.

با توجه به این مسأله خروج اقتصاد روستایی از وضعیت فعلی بیش از پیش ضرورت می یابد. جهت رسیدن به این مهم بیش از هر چیز باید ظرفیت ها و قابلیت نواحی روستایی مورد شناسایی قرار گیرد تا با بهره گیری عقلایی از این توانها، امکان تقویت نظام کشاورزی نواحی روستایی فراهم شده و بهره برداران ساکن در روستا بتدریج با شیوه های نوین و تاثیرگذار بر افزایش توان بخش کشاورزی آگاهی یابند.

نقش و جایگاه کشاورزی در توسعه

بسیاری را عقیده بر این است که کشاورزی محور توسعه و پیش نیاز دیگر مراحل آن بشمار می‌رود. اهمیت توسعه کشاورزی و لزوم توجه جدی به آن، بیشتر ناشی از رسیدن به اهدافی چون افزایش درآمد ملی و هدفهای رفاهی می‌باشد. (سلطانی، ۱۳۷۳ ص ۸) در مجموع کشاورزی چهار کمک عمده به روند توسعه اقتصادی می‌کند: بصورت محصول، بصورت عامل، بصورت بازار و کمک بصورت مبادله خارجی (تیرل وال، ۱۳۷۸ ص ۲۳۹)

آنچه از لابه لای متون مربوط به اقتصاد توسعه بر می‌آید تا قبل از دهه ۱۹۵۰ بخش کشاورزی چندان اهمیتی در فرآیند رشد اقتصادی نداشته است. (Little, 1982: P: 105). اما از دهه ۵۰ و ۶۰ بدلیل تحولاتی که در نظام اقتصادی دنیا به تبع افزایش جمعیت، ترویج تفکر توسعه بر محوریت روستا، سایه ترس از گسترش فقر و سوء تغذیه در بین جمعیت دنیا بویژه کشورهای فقیر، و آینده نگری در زمینه حفظ ظرفیتهای تولید و اشتغال در بخش کشاورزی باعث شد تا دگرگونی اساسی در باره نقش کشاورزی در توسعه اقتصادی کشورها بوجود آید (جدول ۲)

جدول شماره ۲- مهمترین زمینه های فکری در زمینه نقش کشاورزی در توسعه اقتصادی از دهه ۱۹۵۰ تاکنون#

| شرح | محورهای عمده در رابطه بانقش کشاورزی در توسعه اقتصادی | اندیشمندان معروف |
|-----------------|---|---------------------------------|
| دهه ۱۹۵۰ | کشاورزی تأمین کننده عوامل تولید بخش صنعت بویژه نیروی کار | آرتور لوئیس |
| | ضرر مداوم کشورهای تولید کننده مواد اولیه (بویژه کشاورزی) در رابطه مبادله با دیگر کشورها | راول پریش، هانس سینگر |
| | همبستگی متقابل میان رشد کشاورزی و صنعت | جورگینسون، انک، رانیس و فی |
| دهه ۱۹۶۰ | انتقال مستقیم تکنولوژی کشاورزی از کشورهای پر درآمد به کشورهای در حال توسعه و همچنین اجرای برنامه های توسعه روستایی در کشورهای جهان سوم برای غلبه بر نظام های نا عادلانه زمین داری | واریئر، کارول، راوپو باراکلف |
| دهه ۱۹۷۰ | زایش تفکر " رشد توأم با مساوات "، توجه به فقرا بویژه تولید کنندگان مواد غذایی، بخش کشاورزی و جامعه روستایی | سانکل، فورتادو گالتونگ |
| دهه ۱۹۸۰ | بارانهای اسیدی، آلودگی و نابودی محیط زیست و کشاورزی پایدار | یانگ و برتون |
| دهه ۱۹۹۰ تاکنون | تحکیم زیر ساخت های نهادی برای کشاورزان خرده مالک، تحلیل خط مشی های توسعه و آموزش، کمک های غذایی و تخصصی کردن کشاورزی، ارزیابی مداوم نقش تجارت جهانی | رابرت استیونس |

تلفیق و تنظیم از نگارنده

همانطور که گفته شد در تاریخ تئوریهای توسعه اقتصادی تا قبل از دهه ۵۰ توجه چندان به بخش کشاورزی نمی‌شد اما از سال ۱۹۵۰ به بعد، به تبع سیاستهای توسعه بویژه در محور اقتصادی آن که تأکید بر توزیع عادلانه درآمد، و مساوات در فرصتهای اجتماعی داشت لاجرم بخش کشاورزی و فعالیت این بخش مورد توجه قرار گرفتند. در رابطه با توسعه کشاورزی تئوریهها نیز متفاوتند. اگر «مدل بهره برداری از زمین» بر افزایش سطوح زیر کشت و

افزایش سطوح مرتعی تأکید دارد، «مدل حفاظت» قائل به نوعی توسعه براساس حفظ زیر ساختهای تولید و پیوستگی بیشتر بین کشاورزی و محیط استوار است. «مدل موقعیت» می‌کوشد تا تفاوت‌های موجود در فعالیتهای کشاورزی را با توجه به عوامل مکانی و محیطی توضیح دهد و طرفداران «مدل انتشار» اعتقاد دارند که ضروری‌ترین ابزار توسعه این فعالیت اشاعه روشهای مناسب تولید است. تلفیق مدل‌های حفاظت، موقعیت و نشر، آفرینش مدلی دیگر را نوید می‌داد که «الگوی نهادهای پر بازده» یا انقلاب سبز نام گرفت که راه توسعه کشاورزی را در بکارگیری گسترده بذرهای اصلاح شده، کودهای شیمیایی و سموم دفع آفات نباتی می‌دانست. در نقطه مقابل «مدل نوآوری القایی» توسعه کشاورزی را مقوله‌ای درونی می‌داند و نسخه شفابخش این فعالیت را در تغییرات فنی درونزا و مرتبط با سایر فراگردهای توسعه بیان می‌کند.

جدول ۳. مدل‌های توسعه کشاورزی به تفکیک قابلیت‌ها و محدودیت‌های توسعه#

| ردیف | نام مدل | عامل توسعه | محدودیت توسعه |
|------|--------------------------|---|--|
| ۱ | مدل بهره برداری از منابع | افزایش سطح زیر کشت | افزایش جمعیت-شرایط جغرافیایی نامناسب |
| ۲ | مدل حفاظت | بهینه سازی عوامل تولید بویژه آب و خاک | مشکلات زیست محیطی |
| ۳ | مدل موقعیت | توسعه شهری و صنعتی | ضعف صنایع و کارآمد نبودن شبکه های ارتباطی |
| ۴ | مدل نشر یا اشاعه | انتشار دانش فنی و تجهیز علمی و تکنولوژیکی کشاورزی | کم سواد و ضعف در جریان اطلاع رسانی |
| ۵ | مدل نهاده های پر بازده | انتقال نوآوریها از کشورهای پیشرفته به کشورهای جهان سوم | عدم سازگاری نوآوریهای تکنیکی با شرایط جغرافیایی مقصد |
| ۶ | مدل نوآوری القایی | تکیه بر عوامل درونزایی برای ایجاد نوآوریهای فنی و نهادی | آداب و رسوم و سنت های رایج بعنوان عوامل بازدارنده |

تلفیق و تنظیم از نگارنده

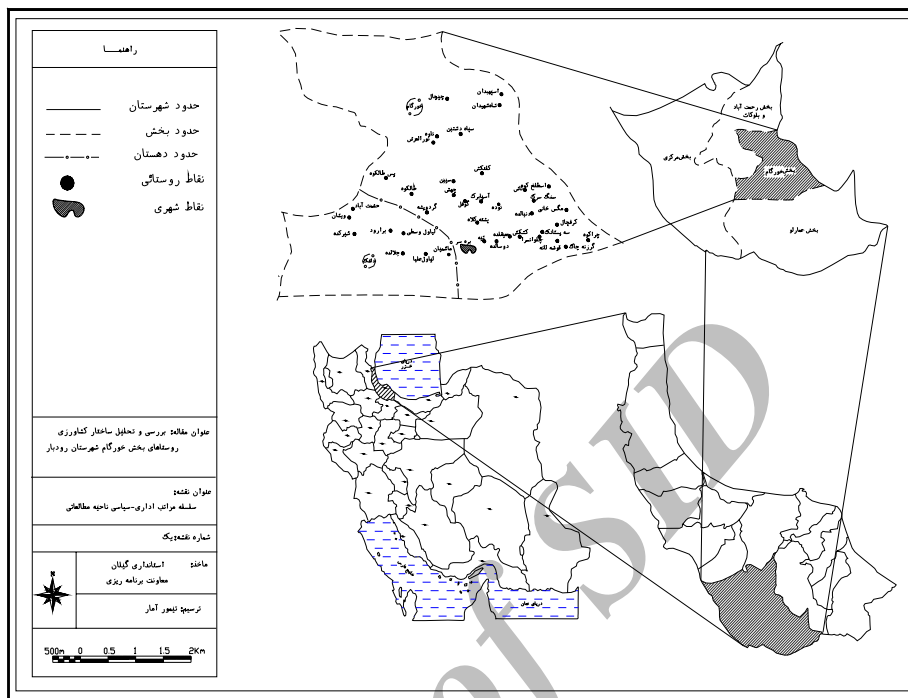
برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به:

- هایامی، یوجیر و وروتان، ورنون (۱۳۷۸): توسعه کشاورزی، ترجمه مجید کویپاهی، انتشارات وزارت کشاورزی.
 - آشیر، کارل و استاز، جان (۱۳۷۷): اقتصاد کشاورزی و فرایند توسعه اقتصادی، ترجمه غلامرضا آزاد و احمد ایزدپناه، انتشارات شرکت چاپ و نشر بازرگانی، تهران.

محدوده مطالعاتی و شیوه پژوهش

قلمرو مطالعاتی که برای شناخت ساختاری از فعالیت کشاورزی و بررسی روند توسعه و گسترش این پدیده انتخاب شده، بخش خورگام (شهرستان رودبار) می‌باشد، که براساس آخرین سرشماری رسمی کشور دارای ۴۰ نقطه روستایی و ۱۰۶۶۸ نفر جمعیت بوده است. بخش خورگام با ۲۹۶ کیلومتر مربع وسعت (استاندارداری گیلان، ۱۳۸۶) در جنوب شهرستان رودبار واقع شده و از جمله نواحی است که در سال‌های اخیر شاهد تحولاتی چند در حیطه فعالیت

کشاورزی بوده است. بهمین منظور برای بررسی و ریشه یابی محدودیتها و پتانسیلها و همچنین شناخت هر چه بیشتر نسبت به ابعاد کشاورزی این ناحیه (بویژه با توجه به موقعیت جغرافیایی آن) پژوهش حاضر بانجام رسید.



شکل شماره ۱- نقشه موقعیت ناحیه مطالعاتی از نظر سلسله مراتب اداری-سیاسی

پژوهش انجام یافته از نظر هدف از نوع کاربردی و بر مبنای روش از نوع توصیفی - تحلیلی و همبستگی می باشد. برای انجام مطالعه از شیوه های مرسوم جمع آوری اطلاعات (اعم از اسنادی و میدانی) بهره گیری شده است. در بخش اسنادی ضمن بررسی سوابق موضوع مورد مطالعه، وضعیت ناحیه مطالعاتی از نظر قابلیت های کشاورزی و شرایط جغرافیایی گسترش این فعالیت مورد مطالعه قرار گرفت و در بخش میدانی نیز ضمن جمع آوری اطلاعات اولیه از کل جامعه آماری (۴۰ روستا) از طریق پرسشنامه، اطلاعات ثانویه نیز از طریق مراکز اداری، سازمانی ناحیه بویژه بخشرداری و مرکز خدمات کشاورزی خورگام اخذ شده است.

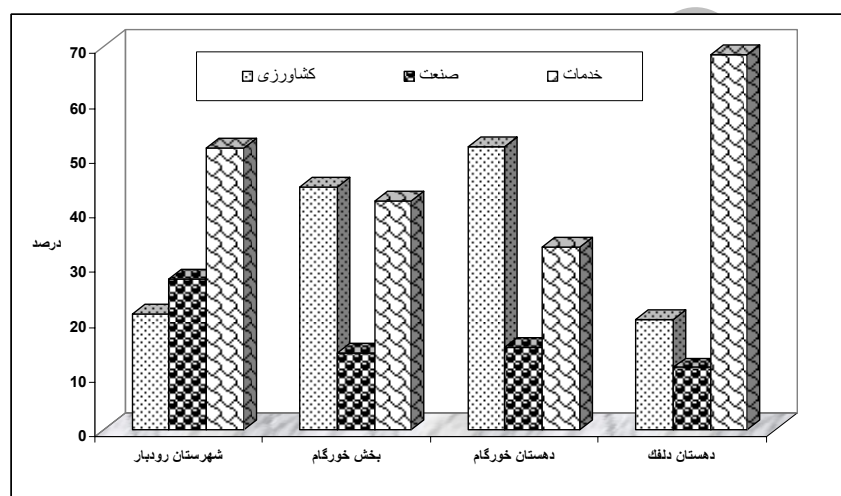
سوالات و فرضیات تحقیق

بر این مبنای، در بررسی حاضر سؤالات زیر مطرح می گردد:

- آیا بین کشاورزی و شاخص های جمعیتی روستاهای ناحیه رابطه وجود دارد؟
- بهره گیری از قابلیت های موجود در ناحیه تا چه حد در تحول کشاورزی آن موثر است؟
- در راستای سؤالات تحقیق، فرضیه های زیر در این بررسی مطرح شده و مورد آزمون قرار گرفته اند:
- بین ارزش ریالی تولیدات کشاورزی و ویژگی های جمعیتی، ناحیه (میزان جمعیت، نرخ رشد، میزان مهاجرت و نرخ اشتغال) رابطه وجود دارد.
- بهره برداری از قابلیت های جغرافیایی ناحیه زمینه تحول اقتصادی آنرا در بخش کشاورزی فراهم خواهد کرد.

یافته های تحقیق

بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵، ناحیه مطالعاتی ۱۰۶۶۸ نفر جمعیت در قالب ۲۹۹۸ خانوار داشته است که این میزان جمعیت در ۴۰ نقطه روستایی ناحیه اسکان داشته اند. از کل جمعیت ناحیه حدود فعال ناحیه حدود ۲۱۳۰ نفر شاغل بوده اند که حدود ۷۵/۵ درصد از کل جمعیت فعال را شامل می شود. ترکیب شاغلین ناحیه خورگام در بخش های مختلف اقتصادی در سال ۱۳۸۵ و مقایسه آن با شهرستان رودبار در نمودار شماره یک مشخص است. همانطور که نمودار نشان می دهد کشاورزی مهمترین فعالیت اقتصادی ناحیه است که حدود ۴۴ درصد از جمعیت شاغل ناحیه را شامل می شود.



نمودار شماره ۱- جمعیت شاغل ناحیه مطالعاتی و مقایسه آن با شهرستان رودبار بر حسب بخشهای عمده فعالیت (۱۳۸۵)

سیمای کشاورزی ناحیه

ناحیه خورگام به سبب موقعیت خاص جغرافیایی، قرارگیری در یک محدوده کوهستانی، توپوگرافی ناهمگون، جهت ارتفاعات و تحت تأثیر جریانهای هوایی دارای اقلیمی مرطوب تا نیمه خشک است. در کنار این شرایط، وجود رودهای دائمی و خاک نسبتاً حاصلخیز باعث شده تا مهمترین رکن معیشتی ناحیه کشاورزی باشد. با توجه به جدول (۴) سطح زیر کشت محصولات زراعی و باغی در این ناحیه ۴۲۷۱ هکتار می باشد که از این مقدار ۴۱۱۷ هکتار معادل ۹۶ درصد به محصولات زراعی و ۱۵۲ هکتار برابر با ۴ درصد را محصولات باغی تشکیل میدهد. در این ناحیه بیشترین سطح زیر کشت مربوط به دهستان خورگام با ۳۱۶۵ هکتار (۷۴/۱ درصد کل اراضی ناحیه) و مابقی مربوط به دهستان دلفک می باشد.

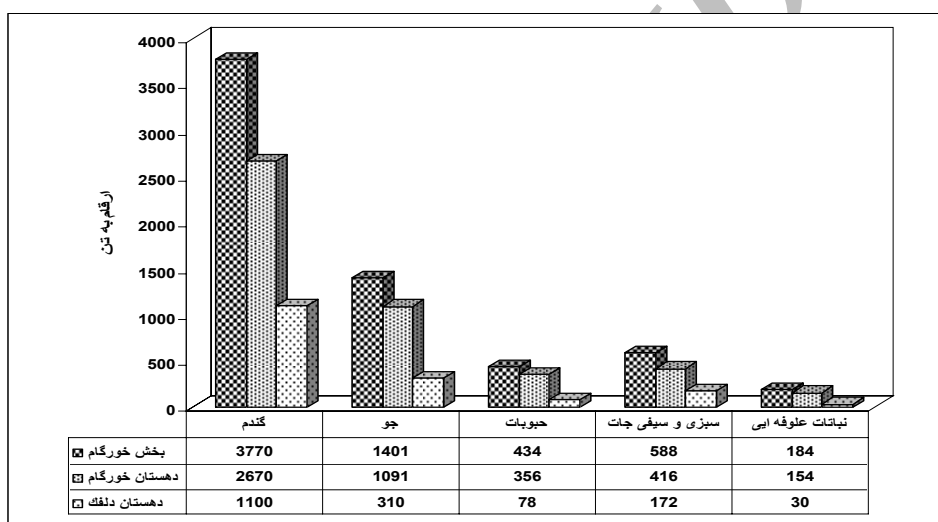
در ترکیب محصولات زراعی ناحیه غلات (گندم و جو)، حبوبات (لوبیا، نخود، عدس و...) نباتات علوفه ای (یونجه، شبدر و...) محصولات عمده زراعی روستاها را تشکیل می دهند. همانطور که نمودار نشان می دهد محصول گندم به تبع سطح زیر کشت بالا، با ۳۷۷۰ تن تولید در رده اول قرار گرفته و محصولاتی مثل جو با ۱۴۰۱ تن، حبوبات با ۴۳۳ تن، سبزی و صیفی با ۵۸۸ تن و بالاخره نباتات علوفه

جدول شماره ۴- سطح زیر کشت محصولات زراعی و باغی بخش خورگام به تفکیک دهستان (۱۳۸۵)

| آیش | سطح باغات | | سطح زراعت | | کل زمینهای زراعی و باغی | | شرح |
|------|-----------|-----|-----------|-----|-------------------------|-----|---------------|
| | دیم | آبی | دیم | آبی | دیم | آبی | |
| ۲۵۲۶ | ۱۵۲ | - | ۴۰۱۴ | ۱۰۳ | ۴۱۶۸ | ۱۰۳ | بخش خورگام |
| ۱۶۲۹ | ۱۰۹ | - | ۲۹۸۴ | ۷۲ | ۳۰۹۳ | ۷۲ | دهستان خورگام |
| ۸۹۷ | ۴۵ | - | ۱۰۳۰ | ۳۱ | ۱۰۷۵ | ۳۱ | دهستان دلفک |

مأخذ: معاونت برنامه ریزی استانداری، ۱۳۸۵

در مقام مقایسه ۱۲ درصد تولید گندم، ۳۱ درصد تولید جو، ۲۱ درصد تولید حبوبات، ۱۵/۵ درصد تولید نباتات علوفه‌ای و ۱۳ درصد سبزی و صیفی جات شهرستان در این بخش تولید می‌شود.



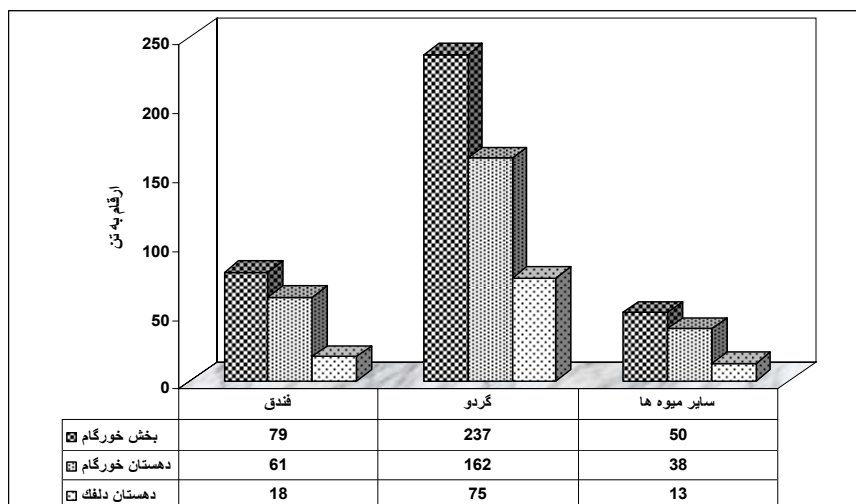
نمودار شماره ۲- میزان تولید محصولات عمده زراعی در بخش خورگام به تفکیک دهستان (۱۳۸۵)

تولیدات باغی نیز با توجه به فضای باغات و توجه به برخی گونه‌های درختی از اهمیت قابل ملاحظه‌ای در ناحیه برخوردار است. همانطور که نمودار (۳) نشان می‌دهد مهمترین محصول باغی ناحیه گردوست که با بازدهی بالا حدود ۲۳۷ تن تولید سالانه آنست، در مقابل سطح تخصیصی فندق اگرچه به نسبت گردو بالاتر است لیکن با عملکرد ۱/۲ تن در هکتار کل محصول تولیدی در ناحیه ۷۹ تن است. در مقایسه با کل شهرستان، در ناحیه مطالعاتی ۶۷/۵ درصد گردو ۲۵/۵ درصد فندق حدود ۱۰ درصد سایر میوه‌ها در این بخش تولید می‌شود. و همانطور که ملاحظه می‌گردد تولید عمده باغی در ناحیه مطالعاتی گردوست که مقام آن در شهرستان قابل توجه است. افزایش تولید این محصول از یک طرف تحت تأثیر تقاضای مصرف آن در خارج از ناحیه از طرف دیگر تحت تأثیر سیاستهای حمایتی دولت در اعطای تسهیلات بانکی به گردو کاران می‌باشد^۱.

شیوه بهره برداری در ناحیه مطالعاتی عموماً از نوع خانوادگی است که مبتنی بر مالکیت شخصی و کشت و زرع در اراضی خانوادگی است. اساس این نوع شیوه بر پیوندها و روابط سنتی استوار بوده و از مشخصات آن می‌توان به مواردی چون: استمرار در شکل تولید، حاکمیت ارث بر اراضی، تولید نازل، و تنوع در محصولات تولیدی در یک

^۱ طبق اطلاعات جمع آوری شده از سطح ناحیه، به ازای هر هکتار گردو کاری حدود ۸ میلیون ریال تسهیلات بانکی پرداخت می‌شده است.

قطعه زراعی اشاره کرد. با این وضعیت می توان گفت که شیوه بهره برداری خانوادگی در این ناحیه عموماً از نوع «دهقانی» است و چارچوب فعالیت آن کمتر به نوع «مبتنی بر بازار» تطابق دارد.^۱



نمودار شماره ۳- میزان تولید محصولات عمده باغی در بخش خورگام به تفکیک دهستان

اشکال اجاره داری و شیوه تولید مبتنی بر اجاره عوامل تولید (به ویژه زمین) کمتر در ناحیه رایج است و به لحاظ اینکه زمین تحت تملک خرده مالکان وسیع نبوده و بهره بردار قادر است به تنهایی (و با توجه به حضور در روستا) از عهده چرخه تولید زراعی خویش برآید اشکال اجاره داری گسترش زیاد ندارد. البته در برخی روستاهای بزرگ مثل گوفل، گلنگش، ناش، نوده، گردوشه نمونه هایی از رواج نظام اجاره داری دیده می شود لیکن سطح آن چندان وسیع نیست.

فرآیند فعالیت های زراعی و باغی در ناحیه مطالعاتی حکایت از یک شکل بینابین از تولید سنتی و مدرن دارد. عدم تجهیز بخش کشاورزی ناحیه به وسایل مکانیزه باعث شده حدوداً ۳۷ درصد اراضی این ناحیه به صورت آیش رها شده و حتی چشم انداز برخی اراضی در این قلمرو نشان می دهد، که سالهاست هیچ فعالیتی در آنها صورت نگرفته و بطور کامل در تصرف عناصر طبیعی قرار گرفته است. دلیل عمده ای که زارعان در به آیش گذاشتن زمین عنوان نمودند کمبود آب و کاهش حاصلخیزی زمین می باشد که به نظر می رسد با توجه به توان ناحیه مطالعاتی هر دو نقیصه قابل رفع باشند.

نظام کشت عموماً به صورت «همزیستی» (ترکیبی از کشت های گوناگون در یک مزرعه) و در سالهای اخیر «تناوب» نیز رایج شده است. بواقع زارعان در این ناحیه چه به شکل سنتی و چه تحت تأثیر ترویج این نظام را پذیرفته و در شرایطی که آب به عنوان مانع عمل نکند تناوب جایگزین «رها سازی» برای استمرار در فعالیت می شود. کشت نباتات علوفه ای، سیب زمینی، حبوبات و در مقیاس کوچک کشت کلزا (نوع دانه روغنی) نمونه هایی از پذیرش سیستم تناوب در نظام فعالیت زراعی این ناحیه است. نظام تولید در فعالیت های زراعی و باغی ناحیه با تأثیرپذیری از برخی آموزه های سنتی و انتقال آن به نسل حاضر و در کنار آن پذیرش تکنولوژی و

^۱ تقسیم بندی شیوه خانوادگی به دو شیوه فرعی «دهقانی» و «مبتنی بر بازار» بر گرفته از کتاب مبانی جغرافیای روستایی تألیف دکتر عباس سعیدی است. ماکس درتو در کتاب جغرافیای انسانی که استاد گرانقدر دکتر سهامی آن را ترجمه کرده تقسیم بندی شیوه های بهره برداری بر مبنای هدف بویژه اهداف اقتصادی را سنخ (تیپ) کشت می نامند (ن.ک به منبع فوق ص ۱۹۴)

نهاده های پربازده نیز برای اصلاح برخی کاستی های تولید شکل گرفته است. تعداد کل ماشین آلات کشاورزی در این ناحیه ۲۰۳ دستگاه می باشد که نوع و تعداد آن طبق جدول مشخص شده است. براساس این اطلاعات بالاترین میزان وسایل مکانیزه مربوط به خرمنکوب (مرتبط با کشت گندم و جو) و تراکتور می باشد.

جدول شماره ۵- تعداد ماشین آلات کشاورزی بخش خورگام و مقایسه آن با شهرستان رودبار (۱۳۸۵)

| شرح | تراکتور | تیلر | خرمنکوب | دروگر | پمپ آب | سمپاش |
|----------------|---------|------|---------|-------|--------|-------|
| شهرستان رودبار | ۲۷۴ | ۳۷۹ | ۲۶۱ | ۷ | ۱۲۶ | ۱۲ |
| بخش خورگام | ۲۹ | ۱۲ | ۱۵۰ | ۴ | ۲ | ۸ |

مأخذ: (۱) مرکز خدمات کشاورزی بره سر (۱۳۸۵) (۲) مطالعات میدانی (۱۳۸۵)

در ارتباط با آموزش زارعان و ترویج نهاده ها و نوآوری های کشاورزی، مرکز خدمات کشاورزی ناحیه (مستقر در مرکز بخش) فعالیتهای مفیدی انجام داده که برحسب مورد در جدول (۶) مشخص شده است. تشکیل کلاسهای آموزشی در رابطه با مراتع، آگاهی روستائیان از بیماریهای مشترک انسان و دام، رعایت اصول صحیح پرورش طیور، رعایت اصول صحیح زراعت و آموزشهای انفرادی از آن جمله اند. مضافاً اینکه آموزش انفرادی روستائیان در مراجعه حضوری مروجین به تعداد قابل ملاحظه ای انجام شده و ۵۷۰ زارع تحت این آموزشها قرار گرفته اند.

جدول شماره ۶- دوره های آموزشی بر گزار شده توسط مروجین مرکز خدمات کشاورزی بره سر (۱۳۸۵)

| شرح | توسعه دانه های روغنی | آموزش مرتع داری | بیماریهای مشترک | پرورش مرغ بومی | اصول صحیح زراعت | آموزش انفرادی |
|------------------|----------------------|-----------------|-----------------|----------------|-----------------|---------------|
| تعداد شرکت کننده | ۱۳ نفر | ۴۱ نفر | ۵۲ نفر | ۲۲ نفر | ۲۴۰ نفر | ۵۷۰ نفر |

مأخذ: مرکز خدمات کشاورزی بره سر (۱۳۸۵)

نظام مبادله تولیدات کشاورزی و تحلیل روابط تجاری ناحیه با مراکز مبادله

از دیدگاه اقتصاد نواحی روستایی، مراکز مبادله بعنوان مراکز تجاری نقش محوری در دوام و استمرار در فعالیتهای کشاورزی و گسترش آن، ایجاد پایگاهی برای تنوع فعالیت اقتصادی و فرایند ازدیاد درآمد ناحیه دارد (دیوید وال ۱۳۷۴ ص ۳۷) در ناحیه مطالعاتی همانطور که گفته شد کل قلمروپخش مازاد محصولات را میتوان بر اساس برد بازار به دو نوع بازارهای ناحیه ای و برون ناحیه ای تقسیم کرد، که البته نقش و تأثیر بازارهای مبادله داخل ناحیه به مراتب بیش از مراکز مبادله خارج از آن است، در تحلیل وضعیت فعلی این مراکز، با توجه به مطالعات میدانی ومصاحبه با روستائیان، مسئولین محلی و خریداران، میتوان گفت که:

۱- عرضه محصولات کشاورزی به بازار در ناحیه مطالعاتی، پراکنده، جزئی و نامنظم است. گر چه عمده محصولات مبادله ای این ناحیه (از قبیل گندم، جو، عدس، فندق، گردو و...) قابلیت ماندگاری بیشتری در طول زمان داشته و درجه فساد پذیری آنها کمتر است، لیکن بر خلاف شرایط طبیعی این محصولات عرضه آنها دارای نظم مشخص نبوده و نوسانات زیادی را نشان می دهد.

۲- مراکز مبادله درون ناحیه ای در دو نقطه یعنی شهر بره‌سر (به عنوان مراکز اداری- سیاسی بخش خورگام) و ماشمیان (چهار محل) به عنوان پرجمعیت ترین روستای ناحیه خلاصه میشود. کارکرد این دو نقطه به دلیل تنوع نقش (اداری، سکونتی، خدماتی و بالطبع اقتصادی) و موقعیت جغرافیایی مناسب آنها باعث شده که بر اساس روال سنتی و تاریخی، دولت نیز تقویت این مراکز را در جهت حمایت و پشتیبانی مالی، نهادی، بازاری و سایر خدمات کشاورزی به روستائیان پیشه خود سازد.

۳- تنوع در محصولات مبادله ای ناحیه مطالعاتی و مراکز مبادله ضعیف بوده و در چهار یا پنج مورد خلاصه می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که اقتصاد کشاورزی ناحیه از یکی از مؤلفه‌هایی که پویایی مداوم در توسعه آن را بهمراه خواهد داشت بی بهره بوده و بخشی از مشکلات مربوط به فرآیند "تولید تا مصرف" محصولات تولیدی ناحیه در همین نکته نهفته است.

۴- بازار محصولات کشاورزی این ناحیه عمدتاً از نوع "مصرف مستقیم" است. به عبارت دیگر عمده محصولات مبادله ای ناحیه مصرف غذایی دارند و جایگاه محصولات صنعتی در این قلمرو ضعیف است.

۵- در مقام مقایسه تحرک تولیدکنندگان فراورده های دامی برای فروش محصول خویش بیشتر از تولید کنندگان زراعی است. در این راستا از گذشته تا به امروز روابط اقتصادی پایداری بین این افراد با خریداران، تجار و بازرگانان شهرهای رستم آباد و رودبار برقرار بوده و دامداران بر حسب میزان تقاضا و قدرت تولیدی خویش در زمینه‌هایی چون گوشت قرمز، دام زنده، فراورده های لبنی (ماست، کره، پنیر، دوغ) با ساکنان شهرهای مذکور (بویژه بازاریان) روابط گسترده و مستمری را برقرار کرده اند. در واقع بازاریان پل ارتباطی بین تولید کنندگان محلی و مصرف کنندگان نهایی محصولات تولیدی روستاهای ناحیه به شمار می‌روند.

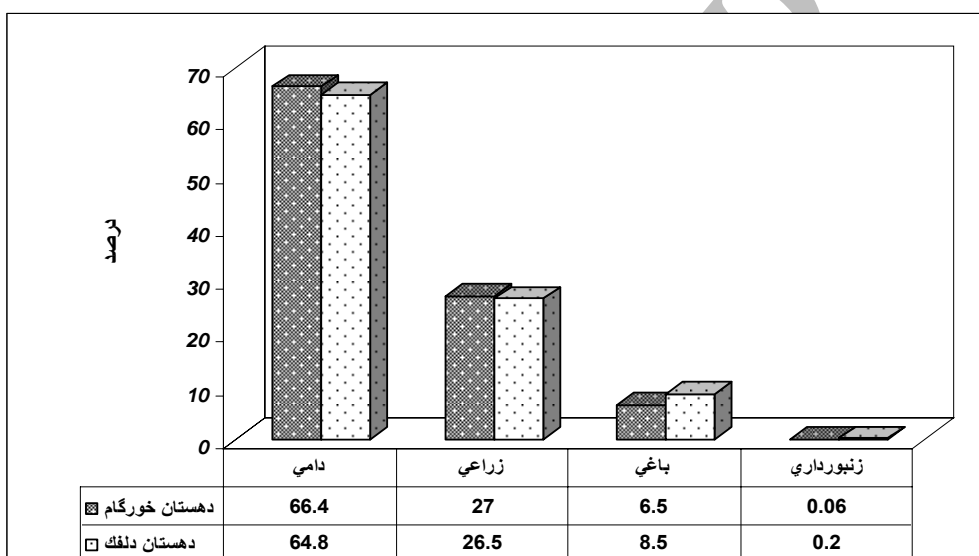
تحلیل ارزش اقتصادی تولیدات و عواید اقتصادی حاصل از آن

بر اساس میزان تولیدات در زیر بخش های فعالیت کشاورزی (زراعت، دامداری، باغداری و زنبورداری) ارزش اقتصادی آنها محاسبه شده و عواید خالص و ناخالص هر بخش از این فعالیتها نیز محاسبه شده است. بر مبنای محاسبات جدول (۷) ارزش ریالی ناخالص حاصل از فعالیت دامداری حدود ۵۰٪ کل ارزش ناخالص بخش کشاورزی ناحیه است؛ تولیدات زراعی با ۴۱ درصد در رده دوم و محصولات باغی و بالاخره ارزش تولیدات عسل در رده‌های بعدی قرار دارند. باتوجه به اینکه بخشی از درآمد حاصل از تولیدات ناحیه به عنوان عوامل تولید به مصرف رسیده ارقام فوق نمی‌تواند بیان کننده درآمد واقعی ناحیه باشد. لذا برای ترسیم تصویر روشنتری از تولید درآمد های اقتصادی ناحیه (از بخش کشاورزی) به بررسی هزینه‌های تولید، میزان درآمد و ارزش افزوده در سطح کل بخش پرداخته شده است.

جدول شماره ۷- ارزش اقتصادی (درآمد ناخالص) تولیدات کشاورزی ناحیه مطالعاتی به تفکیک دهستان. (میلیون ریال)

| شرح | زراعی | باغی | دامی | زنبورداری | جمع کل |
|---------------|------------|---------|--------|-----------|---------|
| دهستان خورگام | ارزش ریالی | ۸۰۸۴/۵ | ۱۹۷۱/۲ | ۱۹۹۴۸ | ۳۰۰۲۳/۷ |
| | درصد | ۲۷ | ۶/۵ | ۶۶/۴۴ | ۱۰۰ |
| دهستان دلفک | ارزش ریالی | ۲۷۲۴ | ۸۷۱/۸ | ۶۶۶۱ | ۱۰۲۷۳/۵ |
| | درصد | ۲۶/۵ | ۸/۵ | ۶۴/۸ | ۱۰۰ |
| بخش خورگام | ارزش ریالی | ۱۰۸۰۸/۴ | ۲۸۴۳ | ۲۶۶۰۹ | ۴۰۲۹۷/۲ |
| | درصد | ۲۶/۸ | ۷ | ۶۶/۱۱ | ۱۰۰ |

محاسبه بر مبنای ارزش ریالی تولیدات و قیمت فروش (سال ۱۳۸۶) هر محصول انجام شده است.



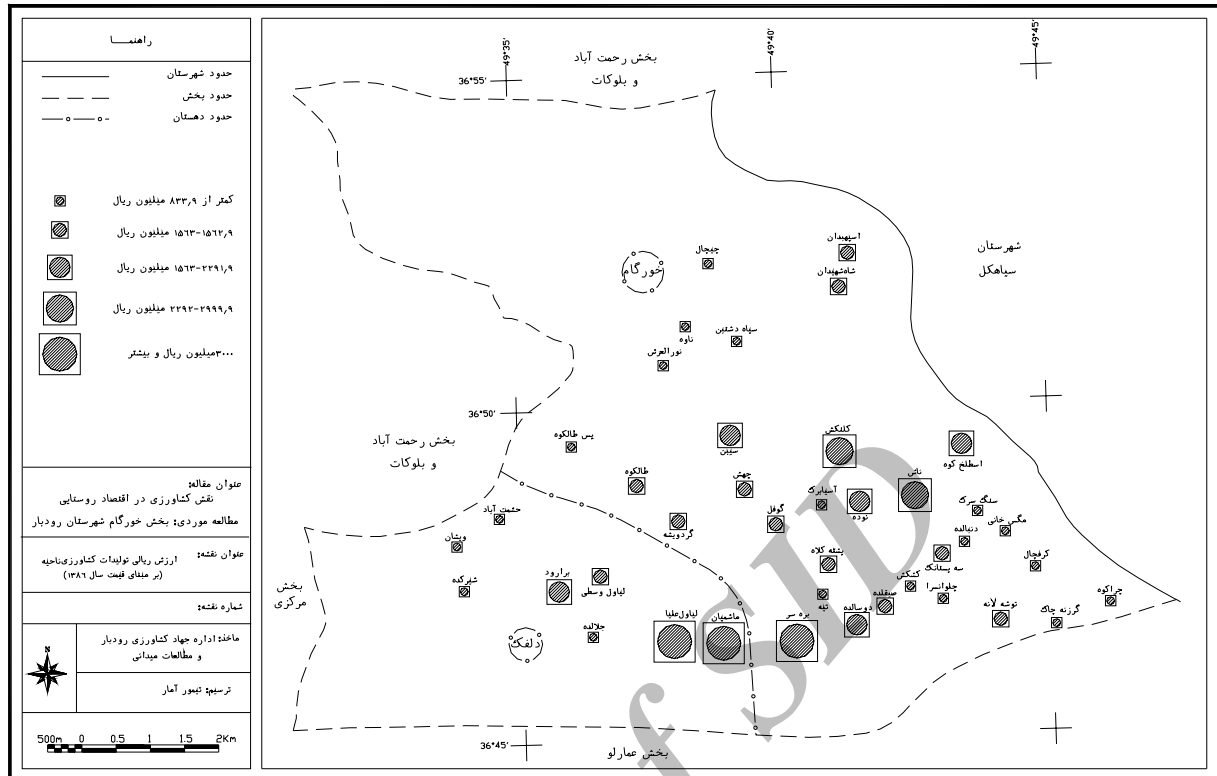
نمودار شماره ۴- ارزش اقتصادی فرآورده های کشاورزی ناحیه به تفکیک زیر بخشهای مختلف

بر مبنای اطلاعات جمع آوری شده در سطح ناحیه، هزینه های تولیدی شامل هزینه کاشت، شامل بذر، سوخت، دستمزد و یا اجاره ماشین می باشد که بر اساس بررسیهای انجام شده هزینه بذر به ازاء هر هکتار ۱۳۰ کیلو گرم به ارزش ۱۹۵۰۰۰ ریال، هزینه کشت مکانیزه (با تراکتور) در هر هکتار ۲۴۰۰۰۰ ریال و در مجموع هزینه کاشت در هکتار ۴۳۵۰۰۰ ریال می باشد. در فرایند تولید زراعی عوامل مصرفی مرحله دوم (مرحله داشت) شامل کود و سم می باشد که در سطح محدوده مورد مطالعه هزینه کرد با احتساب ۲۵۰ کیلو گرم کود به ازای هر کیلو ۴۶۰۰ ریال جمعاً ۲۳۰۰۰۰ ریال و به ازای هر هکتار ۴۱۲۰ ریال که هزینه این دو عامل باهم ۲۳۴۱۲۰ ریال برآورد می شود.

جدول شماره ۸- هزینه های تولید در هکتار غلات در سال ۱۳۸۵ (ارقام به هزارریال)

| شرح | کاشت | داشت | برداشت | جمع کل |
|-------|------|------|--------|--------|
| هزینه | ۴۳۵ | ۲۳۴ | ۲۵۰ | ۹۱۹ |
| درصد | ۴۷/۳ | ۲۵/۴ | ۲۷/۳ | ۱۰۰ |

مأخذ: مطالعات میدانی (۱۳۸۵) محاسبه و تلفیق از نگارنده



نقشه شماره ۲- ارزش ریالی تولیدات کشاورزی ناحیه در سال ۱۳۸۶ به تفکیک روستا

هزینه برداشت محصول نیز بیشتر صرف پرداخت اجاره وسایل مکانیزه (کمباین یا دروگر) و یا کارگران روز مزد می شود که برای هر هکتار بطور متوسط ۲۵۰۰۰۰ ریال محاسبه گردیده است. با توجه به کم بودن هزینه های نهاده های مصرفی در مرحله داشت و برداشت نسبت به مرحله کاشت می توان اذعان نمود که از مجموع هزینه های تولید غلات حدود ۵۰٪ در مرحله اول از فرآیند تولید این محصول صرف شده و مابقی نیز به تناسب نیاز، انجام کارهای ترویجی، و گرایش زارعان به استفاده های از نهاده های پربازده (مثل کود، سم و ماشین آلات کشاورزی) در مراحل دوم و سوم هزینه می شود.

در مورد فعالیت دامداری ناحیه بررسیهای انجام شده نشان می دهد که این فعالیت در عرصه تولید حداقل هزینه را به دنبال داشته و مخارج بخش دامداری به واسطه چرای آزاد، استفاده از پس چر و علوفه مازاد ناچیز است، به طوری که در چرخه این فعالیت تنها نیروی انسانی که مسئول نگهداری از دام می باشد را می توان در زمره هزینه های دستمزد (بصورت پنهان) عنوان کرد و در مواردی که دام به دلیل طولانی شدن فصل سرد نیاز به تعلیف دستی داشته باشد خرید علوفه نیز از جمله هزینه های این بخش لحاظ می شود. لذا عواید کل این فعالیت در سال ۲۶۶۰۹ میلیون ریال می باشد را می توان به عنوان ارزش افزوده قلمداد نمود.

فعالیت محدود زنبورداری در ناحیه مورد بررسی نیز بصورت حرفه ای و غیر حرفه ای انجام می پذیرد چنانکه کل کلنی های زنبورداران حدود ۷۴۲ کلنی برآورد گردیده است. در این بخش تنها شکر مصرفی در مهر و اسفند بعنوان نهاده های تولید محسوب می شوند که در سال برای هر کلنی ۱۰ کیلو گرم شکر مصرف می شود. بر این

اساس هر کندو در سال ۴۵۰۰۰ ریال هزینه شکر در بر خواهد داشت که درکل ۳۳۳۹۰ هزار ریال شکر به مصرفی زنبورستانهای ناحیه می رسد، که با کسر این رقم از قیمت تولیدی محصول عسل (۳۶۷۸۵ هزار ریال) کل ارزش افزوده آن نیز ۳۳۹۵ هزار ریال برآورد می شود.

ارزیابی فرضیه ها

فرضیه اول: بین ارزش اقتصادی تولیدات کشاورزی و ویژگیهای جمعیتی ناحیه رابطه معنی داری وجود دارد. از آنجا که کشاورزی مهمترین فعالیت اقتصادی ناحیه مطالعاتی است بالطبع عامل بسیار تعیین کننده ای بر کمیت و کیفیت جمعیتی بحساب می آید. در این ارتباط ارزش ریالی تولیدات کشاورزی ناحیه به تفکیک روستا محاسبه شده و سپس ارتباط این پارامتر با شاخص های جمعیتی روستاها نظیر میزان جمعیت در سال ۱۳۸۵، نرخ رشد جمعیت در مقطع ۱۳۸۵-۱۳۴۵، میزان مهاجرت در دهه ۸۵-۱۳۷۵ (با تکیه بر مطالعات میدانی از کل جامعه آماری) و نرخ اشتغال در سال ۱۳۸۵ محاسبه شده است. نتیجه این عملیات آماری نشان می دهد که:

الف) بین میزان جمعیت روستاهای ناحیه (۱۳۷۵) و سرانه ارزش اقتصادی تولیدات کشاورزی رابطه معکوس وجود دارد. ضریب همبستگی این دو پارامتر $0/448$ - می باشد که با $97/5$ درصد اطمینان سطح معنی داری را نشان می دهد.^۱

ب) بین نرخ رشد جمعیت روستاهای ناحیه در یک دوره چهل ساله (۸۵-۱۳۴۵) و ارزش اقتصادی تولیدات کشاورزی رابطه مستقیم و معنی داری وجود دارد. میزان I محاسبه شده $0/465$ می باشد که این رقم نیز با $97/5$ درصد اطمینان سطح معنی داری را نشان می دهد.

ج) بین میزان مهاجر فرستی روستاها در دهه (۱۳۸۰-۱۳۷۰) و سرانه ارزش اقتصادی تولیدات کشاورزی رابطه معکوس و معنی داری وجود دارد. ضریب همبستگی این دو پارامتر نیز $0/322$ - می باشد که این رقم با 95 درصد اطمینان سطح معنی داری نشان می دهد. براین اساس مهاجر فرستی معمولاً در روستاهای با سرانه پایین دیده می شود، ضمن اینکه روستاهائیکه دارای سرانه اقتصادی بالا هستند از نظر جمعیتی با ثبات تر بوده و پدیده «جمعیت زدایی»^۲ کمتر در آنها دیده می شود یا اینکه میزان آن بسیار پایین است.

د) بین نرخ اشتغال روستاها در سال ۱۳۷۵ و سرانه ارزش اقتصادی تولیدات کشاورزی رابطه مستقیم و معنی داری وجود دارد. مقدار I این دو متغیر $0/326$ می باشد که با 95 درصد اطمینان سطح معنی داری نشان می دهد. با بررسی این فرضیه و نتایج حاصل از رابطه «ارزش اقتصادی تولیدات کشاورزی» با متغیرهای جمعیتی نشان می دهد که فعالیت بخش اول اقتصادی در ناحیه مطالعاتی با ضعف های ساختاری روبروست و با وضعیت موجود امکان پشتیبانی از جمعیت را ندارد. مصداق بارز این وضعیت کاهش درآمد سرانه حاصل از تولیدات کشاورزی به تناسب افزایش جمعیت است. برآیند طبیعی این وضعیت افزایش میزان مهاجرت از روستاهای بویژه مناطق کم درآمد می شود که این مسأله نیز در آزمون فرضیه اول مشخص شده است.

^۱ سطح معنی داری «حد آزمون خطا ۵٪ نباید بیشتر باشد و در مقابل سطح اطمینان از ۹۵٪ نباید کمتر باشد» (حافظ نیا، ۱۳۷۷ ص ۳۱۳)

^۲ De population

جدول شماره ۹- متغیرهای مورد بررسی و نتایج حاصل از محاسبه فرضیه اول

| نتیجه | سطح معنی داری | ضریب همبستگی | متغیر | | تعداد روستا |
|------------|------------------|-----------------|------------------------------------|-------------------------|----------------|
| | | | وابسته | مستقل | |
| رابطه دارد | ٪۹۷/۵ | ۰/۴۶۵ | ارزش اقتصادی تولیدات کشاورزی | نرخ رشد جمعیت (۸۵-۱۳۴۵) | ۴۰ |
| رابطه دارد | ٪۹۷/۵ | -۰/۴۴۸ | سرانه ارزش اقتصادی تولیدات کشاورزی | میزان جمعیت (۱۳۸۵) | ۴۰ |
| رابطه دارد | ٪۹۵ | -۰/۳۲۲ | سرانه ارزش اقتصادی تولیدات کشاورزی | میزان مهاجرت (۸۵-۱۳۷۵) | ۴۰ |
| رابطه دارد | ٪۹۵ | ۰/۳۲۶ | سرانه ارزش اقتصادی تولیدات کشاورزی | نرخ اشتغال (۱۳۸۵) | ۴۰ |

- ارائه پیشنهادهای لازم بعنوان خطوط کلی و بلند مدت توسعه کشاورزی (در راستای فرضیه دوم)

کشاورزی مهمترین رکن معیشتی خورگام است که ۹۲/۵ درصد از کل درآمدهای ناحیه را بخود اختصاص داده (آمار، ۱۳۸۴ ص ۱۸۰) و در شاخه هایی چون زراعت، باغداری، دامداری و زنبورداری بانجام می رسد. کشاورزی ناحیه از برخی ضعف های عمومی این فعالیت از قبیل کوچک بودن قطعات زراعی، فرسایش خاک، تأکید و تداوم بر کشت سنتی و شیوه های تولیدی نا کارآمد، و فقدان سیستم های آبیاری مجهز رنج می برد. تحت تأثیر این عوامل و پاره ای از مسائل دیگر نظیر افزایش جمعیت و تخریب منابع محیط موجب شده که فعالیت کشاورزی در این قلمرو نیز با مشکلات عدیده ای دست و پنجه نرم کند. مسایل توسعه کشاورزی ناحیه در موارد زیر است:

۱- در ناحیه مطالعاتی اگرچه وسعت اراضی بایر (عموماً در دهستان دلفک و جنوب ناحیه) قابل توجه است لیکن در اثر کمبود آب و عدم مهار شیب و فرسایش شدید خاک رشد تولید کشاورزی امکانپذیر نیست. در این بین کمبود آب مهمترین مانع در توسعه سطح زیر کشت می باشد. در این ارتباط، احداث یک بند انحرافی بر روی سیاهرود راهگشا خواهد بود. محل احداث این بند انحرافی با توجه به خطوط تراز و تنگی بستر در نزدیکی روستای صیقلده پیشنهاد می گردد. دلایل توجیهی این پروژه در مواردی چون آبیاری اراضی دیم پایین دست بویژه در منطقه پشته کلا، هزینه پایین و سودمندی بالا، دبی مطمئن آب، و فراهم بودن مصالح می باشد.

۲- با توجه باینکه در شکل گیری، تداوم و هر نوع دگرگونی در فعالیتهای کشاورزی شرایط طبیعی (اعم از خاک، منابع آب، اقلیم و توپوگرافی) نقش بسزایی دارد، بنابراین در هر نوع برنامه ریزی در بهینه سازی شرایط حاکم بر فعالیتهای کشاورزی ناحیه می بایست به محدودیت ها و قابلیت های محیطی آن توجه کافی و عمیق بعمل آید تا ضمن شناخت دقیق و علمی از پیچیدگیهای اکولوژیک، مطلوبترین شکل بهره برداری را - ضمن حفظ محیط زیست - انتخاب نمود.

۳- انجام مطالعات خاک شناسی و ارزش یابی قابلیت اراضی در ناحیه ضرورتی انکار ناپذیر است. نقشه های موجود (در مقیاس ۱:۱۰۰۰۰۰) تنها تصویری کلی از توانهای ارضی ناحیه را ارائه کرده و امکان بهره برداری در برنامه ریزی های خرد و محلی را ندارد. نظام فعلی کشاورزی در ناحیه بصورت تجربی و بر مبنای تکرار یک شیوه ظاهراً مفید و مناسب بوده که از گذشته به یادگار مانده است. فلذا در ایجاد هر تغییری در نظام کشت و نوع محصول نیاز به توان سنجی خاک از الزامات اولیه محسوب می شود.

۴- در ناحیه مطالعاتی به دلیل پاره ای از مشکلات ایجاد پروار بندی های مرغ ضعیف است. از جمله این موانع بعد فاصله از بازار مصرف (مشکلات مربوط به حمل جوجه به ناحیه و مرغ تولیدی به بازار مصرف)، مشکلات

اقلیمی به ویژه سردی هوا و تا حدودی کاهش فشار هوا است. بر این اساس راه اندازی این فعالیت در ناحیه توجیه اقتصادی نداشته و تمایل به پرورش صنعتی مرغ در روستاهای خورگام بسیار ضعیف است.^۱

۵- امکانات و قابلیت‌های ناحیه برای گسترش فعالیت زنبورداری و تولید عسل بیش از وضع موجود است. با توجه به اینکه ناحیه مطالعاتی در یک قلمرو مرتفع قرار گرفته و برخوردار از مراتع غنی و شهد طبیعی گیاهان می باشد زیر ساخت این فعالیت را به صورت ذاتی در خود دارد. بنابراین می توان امیدوار بود تا از طریق اقداماتی چون تقویت راههای ارتباطی برای رساندن محصول به بازار، دادن امکانات سرمایه ای برای احداث کندوهای بیشتر و نظارت بر مصرف این کمک های مالی، آموزش روشهای صحیح پرورش زنبور و تجهیز روستائیان به دانش و نهاده هائی که با امراض و آفات این فعالیت مبارزه کنند، زنبور داری را از تحرک بالنسبه بهتری برخوردار نمود.

۶- پرورش ماهی دیگر قابلیت این ناحیه است که بعنوان یک منبع درآمد راکد محسوب می شود و در وضع موجود جز برخی اقدامات پراکنده (نظیر آنچه در روستاهای سه پستانک و دوسالده انجام شده) حرکت جدی در بهره برداری از این ظرفیت نسبتاً مناسب اقتصادی در ناحیه بعمل نیامده است. متأسفانه در ناحیه‌ای که برخوردار از ۲۲ استخر طبیعی و منابع سطحی بویژه رودخانه سیاه‌رود می باشد، فعالیت‌های مربوط به پرورش ماهی در آن بسیار ضعیف است. علیرغم اذعان مقامات جهاد کشاورزی شهرستان و اهالی روستاهای ناحیه بر اقتصادی بودن این فعالیت تا کنون اقدام عملی و مؤثری در این ارتباط انجام نشده است. علاوه بر اینکه در طول مسیر جریانهای سطحی ناحیه (بویژه در بالا دست) امکان ایجاد تأسیسات پرورش ماهیان سردآبی وجود دارد، دراستخرهای طبیعی ناحیه بویژه استخرهایی که عمل تغذیه و تخلیه در آنها بطور دائم انجام می‌شود (نظیر استخر بره‌سر، ماشمیان، صیقلده، ناش و ...) امکان پرورش ماهی فراهم است.

منابع

- ۱- آشیر، کارل و استاز، جان (۱۳۷۷): اقتصاد کشاورزی و فرایند توسعه اقتصادی، ترجمه غلامرضا آزاد و احمد ایزدپناه، انتشارات شرکت چاپ و نشر بازرگانی، تهران.
- ۲- آمار، تیمور (۱۳۸۰): بررسی ویژگی های جمعیتی زیر بنای برنامه ریزی نواحی روستایی، سمینار توانمندیهای جغرافیا در برنامه ریزی توسعه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد.
- ۳- _____ (۱۳۸۳): ضرورت تحول در کارکرد اقتصادی نواحی روستایی، پایان نامه دوره دکتری، دانشگاه تهران، دانشکده جغرافیا
- ۴- اداره جهاد کشاورزی شهرستان رودبار (۱۳۸۵): آمار تعداد دام روستاهای بخش خورگام. شبکه دامپزشکی رستم‌آباد.
- ۵- اسدی، مرتضی (۱۳۷۴): اقتصاد روستایی، انتشارات دانشگاه پیام نور. تهران.
- ۶- استانداری گیلان (۱۳۸۶): آخرین تقسیمات اداری-سیاسی شهرستان رودبار، دفتر تقسیمات اداری-سیاسی

- ۷- استانداری گیلان، (۱۳۸۶): فرهنگ آبادیهای شهرستان رودبار، معاونت برنامه ریزی.
- ۸- بن دیوید وال، آورم (۱۳۷۴): برنامه ریزی توسعه نواحی روستایی، ترجمه عباس حکیمی، مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی وزارت جهاد سازندگی، تهران.
- ۹- تیرل وال.ا.پ (۱۳۷۸): رشد و توسعه، ترجمه منوچهر فرهنگ و فرشید مجاور حسنی، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
- ۱۰- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۷۷): مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، انتشارات سمت، تهران.
- ۱۱- درنو، ماکس (۱۳۷۴): جغرافیای انسانی، ترجمه سیروس سهامی، انتشارات رایزن، مشهد.
- ۱۲- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور (۱۳۸۱): موسسه آموزش
- ۱۳- سازمان کشاورزی استان گیلان (۱۳۷۳): تعیین پتانسیلهای زراعی و باغی شهرستان رودبار با تأکید بر کشت زیتون، مهندسین مشاورنشتاک.
- ۱۴- سعیدی، عباس (۱۳۷۷): مبانی جغرافیای روستایی، انتشارات سمت، تهران.
- ۱۵- سلطانی، غلامرضا و نجفی، بهاء الدین (۱۳۷۳): اقتصاد کشاورزی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
- ۱۶- مرکز آمار ایران (۱۳۵۱): فرهنگ آبادیهای استان گیلان، شهرستان رودبار
- ۱۷- _____ (۱۳۶۱): فرهنگ آبادیهای استان گیلان، شهرستان رودبار
- ۱۸- _____ (۱۳۶۸): فرهنگ آبادیهای شهرستان رودبار ۱۳۶۵
- ۱۹- _____ (۱۳۷۶): فرهنگ آبادیهای استان گیلان ۱۳۷۵، شهرستان رودبار
- ۲۰- _____ (۱۳۷۶): سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵. نتایج تفصیلی شهرستان رودبار
- ۲۱- مشیری، سید رحیم-مهدوی، مسعود و آمار، تیمور (۱۳۷۲): ضرورت تحول در کارکرد اقتصادی نواحی روستایی فصلنامه پژوهشهای جغرافیایی، ۱۳۸۳
- ۲۲- معاونت طرح و برنامه ریزی وزارت جهاد (۱۳۷۹): تحلیل روند تحولات شاغلین کشور طی سالهای ۷۵ - ۱۳۳۵ در بخش های عمده اقتصادی و با تأکید بر بخش کشاورزی، دفتر مطالعات جامع و نظارت.
- ۲۳- موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی (۱۳۸۱): مجموعه گزارشهای همایش چالشها و چشم اندازهای توسعه ایران، دفتر چهارم، تهران.
- ۲۴- نوری، سید هدایت اله (۱۳۸۰): جغرافیا و احیاء اقتصادی روستا، سمینار توانمندیهای جغرافیا در برنامه ریزی های توسعه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد.
- ۲۵- هایامی، یوجیرو و ورتان، ورنون (۱۳۷۸): توسعه کشاورزی، ترجمه مجید کویپاهی، انتشارات وزارت کشاورزی.
- 26- Eicher, Carl K. and John M. Staatz (1990): Agricultural Development in The Third World, Baltimore, Johns Hopkins University Press.
- 27- Little, I. M. D. (1982): Economic Development Theory, Policy and International Relations, New York: Basic Books.
- 28- World Bank (1982): World Development Report 1982, New York: Oxford University Press.